

# تحليل پدیدارشناختی تعزیه

حسین شرف الدین<sup>۱</sup>

چکیده

کلیدواژه ها:

---

مقدمه

توصیف الگوی تحلیل

« »

« »

« »

« »

( « » )

« »

( )

( )

( )

) .

(

تعزیه در لغت و اصطلاح

« »

« »  
« ( ) »  
« ( ) »

## تعزیه و تئاتر

« » « »

:

یکی، موسمی بودن اجرای نمایش آیین تعزیه، یعنی موسم محرم و صفر؛ دوم، اجرای تعزیه در جایگاه‌های معین بی سقف مانند میدان‌ها، گذرگاه‌ها و کاروانسراها و نیز در بسیاری مواقع در تکیه‌ها؛ و سوم، داشتن مخاطبان و نویسندگان ویژه. در تعزیه خوانی، مخاطب به صورت شرکت کننده و همباز ظاهر می شود، نه به صورت تماشاگر یا خواننده. حاضران در مجلس تعزیه باید حضور قلب داشته باشند، و از سوئی غم مظلومان را بخورند و بر مصایب آنان اشک فرو ریزند، و از سوی دیگر به دشمنان آنان کینه ورزند و خشم گیرند و همدستان با مظلومان بر اشقیاء بشورند و آنان را نفرین کنند و در برابرشان موضع بگیرند. تعزیه خوانان نیز اگر نقش خود را خوب ایفا کنند، نهایتاً از نعمت‌های الهی برخوردار خواهند شد. (

:

تعزیه، کامل ترین تئاتر در نوع خود می باشد؛ البته کامل ترین از آن نظر که ساده ترین است نه به مفهوم ابتدایی و مبتدل بودن، بلکه ساده و بی غش بودن آن؛ تئاتری که بازیگرانش با تمام همّ خود ایفای نقش می کنند. شاید این نام تئاتر بی غش، بی ریا، بی تمهید، رساترین نامی است که برای متمایز ساختن تعزیه از تئاتر رئالیسم غرب می توان به آن داد. تئاتر غرب، کاملاً برعکس تعزیه، پرغش، آکنده از ریا و تمهید و یا به زبان پرطمطراق تئاتری ها، تئاتری پردسیسه که هنر نمایشی آن به خاطر روش و تمهید آن است و هیجان آن به این بستگی دارد که شخصیت های نامطلوب آن دارای نمود و خصلتی پیچیده باشند... ( )

...

**خاستگاه تعزیه**

( )

« »

« »

( )

( )

تعزیه، آیینی ملی و مذهبی و هنری است که ویژه کشور ایران است و تعلق به شیعیان دارد و در هیچ یک از کشورهای اسلامی این پدیده به شکلی که مورد نظر است وجود ندارد و این خود اعتبار دیگر به آن می بخشد. (

تعزیه ایرانی، نمایشی آیینی است که قالب و مضمون آن از سنن مذهبی ریشه دار متأثر است. این نمایش اگرچه در ظاهر، اسلامی؛ اما قویاً ایرانی است و در اصل از میراث خاص سیاسی و فرهنگی خود ملهم است ... در خور یادآوری است که در سرتاسر جهان اسلام، ایران تنها کشوری بود که نمایش (درام) پروراند. شاید بتوان این امر را به توجه و دلبستگی مستمر ایران - علی رغم ممنوعات مذهبی - به نمایش تصویری نسبت داد ... اگرچه میراث ادبی ایران به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل می رسد و به خاطر منظومه های خوش ساخت ملی و تخیلی مشهور است، اما تنها نمایش واقعی آن تعزیه اسلامی است که از ظهور آن بیش از هزار سال می گذرد. خاصه با توجه به روابط فرهنگی و جغرافیایی ایران با یونان و هند که هر دو دارای سنن نمایشی فوق العاده ای بودند جای شگفت است. چه واقعیت این است که هنوز هیچ آمفی تئاتری بر ساحل شرقی رود فرات کشف نشده است. )

(

تعزیه خوانی در جامعه دوره ناصری و چند دهه پس از آن، به اوج شکوفایی خود رسید و جاذبه خاصی در میان توده مردم یافت. در آن زمان از سویی دربار و حکومت و اعیان و اشراف به دلایل مختلف از تعزیه خوانی حمایت می کردند و آن را هر سال با جلال و جبروت مخصوصی در تکیه ها و تکیه دولت و حیاط خانه های خود برپا می کردند، و از سوی دیگر، مردم کوچه و بازار و سرسپردگان خاندان امیرمؤمنان که رکن اصلی حامیان و مشوقان مجالس تعزیه خوانی بودند و بانیان واقعی تعزیه خوانی ها را در تکیه های محلی و میدان ها و کاروان سراها و فضای باز زیارتگاه ها شکل می دادند، این مجالس را با شکوهی درخور قهرمانان دینی برگزار می کردند. سبک درباره شکوهمندی و درخشش

تعزیه خوانی در دوره قاجار، دوره ای که ایران مسیر انحطاط و زوال اجتماعی و فرهنگی را می گذراند، نظری خاص ارائه می دهد. او می گوید: مردم تعزیه خوانی را شکوه بخشیدند چون به قهرمانان واقعی و عظمت اخلاقی، دست کم بر روی صحنه، احساس نیاز می کردند. مردم با مشارکت خود در تعزیه خوانی ها می کوشیدند تا اندازه ای که بتوانند از هرزگی و فساد و زبونی زندگی پیرامون خود فاصله بگیرند و از آن دوری جویند. (

## زمینه های اجتماعی تعزیه

تعزیه خوانی دستاورد جهان بینی و شیوه تفکر احساسی درونی توده مردم جامعه ای سنتی است که فرهنگی دینی و اندیشه ای رمزگرا و حماسه ساز بر ذهنیت آنها چیره بوده است. (

تعزیه را، که بیانی شکوهمند از دردهای بیرونی و درونی جامعه است، می توان پرتویی از بیان نیاز و درد جامعه دانست؛ دردی که یکی و دوتا نیست؛ دردهایی که گلوی همه را می فشارد؛ عقده هایی که سینه های همه را می آزارد و کسی را یارا و پروای بازگویی و بازگشایی آن نیست؛ تلخی هایی که ذائقه و وجدان محیط را می آزارد؛ تلخی هایی که به صورت ساختن کله مناره، خرمن چشم های از حدقه درآورده شده، توده زبان های بریده با غم دربه دری و آوارگی و گرسنگی و بی پناهی و خانمان سوزی و اسارت همراه است و کسی نیست که این خیل گم کرده و خسران دیده و بلازده را یاری کند. باید دست به دامن ائمه اطهار زد و از آنان طلب یاری کرد. باید حدیث غم و سرنوشت آنان را بازگفت تا مگر تشفی دلی باشد و حدیث و قصه دردی از خویشتن و جامعه و بیان شیوه نامرضیه ستمگران کوردل روزگار.

از این رو، تعزیه، قدم به قدم، در جامعه ای رو به تکامل می رود که ستم هست، نیرنگ هست، سر در آن به آسانی بر باد می رود، پوست به سهولت کنده می شود، ناموس بی هیچ رادع و مانعی از دست می رود و جان هیچ کس از دست جباران کوچک و بزرگ در امان نیست. تاریخ ایران ... از زمان دیلمیان تا آخر قاجاریه و حتی بعد از آن، که دوران نضج و توسعه و تکامل و نیز سقوط و اضمحلال تعزیه است، بیشتر دوران آشفتگی، جنگ، هراس، انتقام، شیبخون، جنون، قحطی، خیانت، توطئه و آتش سوزی و تجاوز است که ثمره های شکست پیاپی از این سو یا آن سوست؛ به نحوی که فضا و محیطی که در خور کمال انسانی باشد جز در پناه مساجد یا خانقاه دیده نمی شود. ملت، بغض آلود است؛ از ستم بیگانگانی که بر او یورش می برند و در پی آنند که شیرازه مذهب و قومیت و ملیت او را از هم بپاشند و پرده ناموس و شرفش را بدرند و سرداران ابله و خودکامه ای که برای حفظ خود و تبار خود، مردم و جامعه خویش را به نسیان سپرده اند؛ و با این حال و برای بیان این همه بلا و بازگویی حدیث درد و عقده گشایی و بروز همه نیروهای سرکوفته شده درونی و نفی زور و قلدری و اعلام روسیاهی ستمگران و دغلكاران روزگار در آن محیط بسته، چه جایی بهتر از تعزیه می توانسته وجود داشته باشد؟! و این نکته اوج راز و نیز پیوند جامعه در آن دوران با تعزیه است. (

:

سنن روستایی ایران، با خاستگاه های مذهب عمومی، ساده تر، متشکل تر و ثنائی از سنن شهری است. تخیلات سنن روستایی به ضروریات زندگی پیوسته تر و کمتر انتزاعی و روشنفکرانه است و یا کمتر به اسباب تماشایی توجه دارد. در فضای محلی، امکانات بیشتری برای برقراری ارتباط میان بازیگر و تماشاگر وجود دارد. (

### توصیف تعزیه

:

( )  
)  
( )  
( )

»

« ( ) ».

( )

»

« ( ) ».

(

:

تجزیه در شکل تکامل یافته آن عبارت است از يك سلسله اعمال توأم با کلام، منظوم یا غیرمنظوم، بازآفرینی و نمایش يك رشته از وقایع که هسته اصلی آن شهادت امام حسین ( ) و اهل بیتش در کربلا می باشد. این اعمال باید اعتقاد به مصیبت خاندان مطهر و پیام آن را تحکیم و تقویت بخشند، و روزنه ای جهت آزدسازی مجموعه ای از عواطف که بارزترین آنها تألم و «همدلی» در معنی لغوی آن هستند، فراهم آورند. در این گونه نمایش ها، سیر وقایع از قبل بر حاضران معلوم است. نمایش، تنها این وقایع را در قالب نمایشی به آنان «یادآوری» می کند، احساسات خفته را بیدار می سازد و آتش گیرای نهان را برمی افروزد. فن نمایش یا هنر شاعری برای ارتقاء این قبیل احیاگری هاست. به این ترتیب، نه تنها نتیجه نبرد امام حسین در کربلا یا اسارت حضرت زینب ( ) در دمشق یا عروسی بی انجام حضرت قاسم بر شنوندگان به تفصیل معلوم است، بلکه اغلب در شروع نمایش نیز

توسط بعضی از اشخاص نمایش پیش بینی می شوند. این قبیل پیش بینی ها جدا از «لو دادن طرح واقعه»، زمینه را برای حالت سوگواری آماده می سازند. (

:

تمامی اپراهای تعزیه، مبتنی بر خطابه ای نیمه فلسفی (عقاید تشیع)، نیمه زیبا شناختی (سادگی صراحت به عنوان مقوله ای زیباشناسی) و نیمه تئاتری (رمز یا قالب بندی نمایشی) است. هر اجرای آرمانی تعزیه دارای ساخت خطابه ای است که با اصطلاحات نشانه شناختی به عنوان یک سیستم ارتباطی مبتنی بر دو رمز: «رمز شنیداری - دیداری» و رمز «ادراکی»، قابل تجزیه و تحلیل است. رمز اول معرف نشانه بازی؛ و دوم، معرف نشانه تماشا می باشد. در این سیستم، تماشاگر معتقد، خود به یک راوی تبدیل می شود. بدین سان رابطه متقابل این دو رمز، اصلی ترین جنبه تعزیه را تشکیل می دهد. نقش آفرینی بازیگران بر اساس چگونگی صدا انجام می پذیرد؛ ولی در رمز ادراکی، مهم ارزش اخلاقی است (اصوات آهنگین بالا برای اولیاء و اصوات زیر برای اشقیاء است)... و بنا به تعریف، هیچ زمان نمایشی در تعزیه وجود ندارد. در اجرای تعزیه، گذشته، حال و آینده به طور همزمان جریان می یابند. مکان نیز منحصر به جای خاصی نیست، بلکه تمامی جاها به طور همزمان بر صحنه (میدانگاه) نمایش داده می شوند و ... (

:

تعزیه خوان، همچون روضه خوان واقعه گو، از فراز سکوی تکیه که نقشی چون منبر در مسجد دارد، تاریخ قدسی وقایع مذهبی و چگونگی مصایب اهل بیت مطهر پیامبر ( را با کلمه کلمات و حرکات برای مردم روایت می کند. وظیفه تعزیه خوان، نقل تاریخی مذهبی به زبان و بیان شعر و موسیقی و به شیوه نقالی و نمایش وقایع مذهبی به صورتی قدسیانه و با حرکت هایی سنجیده و استوار و آگاه کردن مردم عامه از تاریخ وقایع کربلاست. مردم آن چه را که از وقایع کربلا در پای منبر روضه خوانان شنیده اند در پای سکوی تعزیه خوانان به چشم می بینند و دریافت می کنند. تعزیه خوانان از وظیفه و رسالتی که دارند به خوبی آگاهند و می دانند که در تعزیه خوانی باید همچون مناقب خوانان، روضه خوانان و نوحه سرایان آن چه بر اهل بیت نبوت گذشته برای مردم بازگو کنند و تاریخ مذهب را زنده و مستمر نگه دارند. (

:

بنای "تکیه" اساساً هیچ رابطه ای با بازنمایی های نمایشی نداشت. "تکیه" سده ها پیش از برآمدن تعزیه وجود داشت؛ کما این که هنوز در کشورهای (چون پاکستان) که تعزیه را کفرآمیز و الحادی می دانند نیز یافت می شوند. در سرزمین های غیر شیعه، تکیه محل مجلس صوفیان بود ... (

عناصر تعزیه

.  
 :  
 )  
 .  
 ( ) ( .  
 )

( : )

.(

انواع تعزیه

:  
 « » «( ) » .  
 « » «( ) » .  
 » « » .  
 «.( )  
 .  
 ( )  
 :

( )

)

( )

.

.

(

.

پیامدها و کارکردها

:

.

.

.

.

.

)

(

.

.

.

.

)

(

)

(

توده ها فقط به تصاویر فکر می کنند و به کمک تصاویر نیز تحت تأثیر قرار می گیرند. فقط تصاویر ایشان را می رمانند و یا وسوسه می کنند و تنها تصاویر انگیزه رفتار آنها هستند. به همین دلیل است که نمایش های تئاتری که تصویر را در واضح ترین شکل آن ارائه می دهند، بر توده ها همیشه تأثیر عظیمی می گذارند. ( )

»

( )

( ) « ... »

تعزیه در گذر تاریخ، گرچه با فراز و فرودهایی همراه بود، اما کیفیت خود را حفظ کرد؛ از لحاظ کمی و شکلی یقیناً دچار تطور و تحول شده، ولی آن چه سبب پایداری آن شد، ذات سنتزندگی و مبارزه جویی آن بود. مردم در طول تاریخ نیاز داشتند که در قالب ها و شکل هایی دادخواهی کنند و به افشای ستمگران بپردازند. تعزیه، قالب و ساختاری دارد که این امکان را به دادخواهان می داد تا فریادهای در گلو مانده خود را به گوش مردم برسانند. اساساً يك وجه تعزیه، تصویرکردن اعمال ستمگران است.

تعزیه خوانان با نمایش قساوت های یزیدیان، بر نفرت تاریخی مردم به آنها می افزودند. (

(

## رویکردهای انتقادی به تعزیه

( )

...

:

( )

در قدیم، موضوعی بود به نام شبیه خوانی (در تهران هم خیلی زیاد بوده است) که در واقع نوعی نمایش از حادثه کربلا بود. نمایش قضیه کربلا، فی حد ذاته، بدون شك، اشکال ندارد؛ یعنی نمایش از آن جهت که نمایش است اشکال ندارد؛ ولی ما می دیدیم و همه اطلاع دارند که خود مسئله شبیه خوانی برای مردم هدف شده بود. دیگر هدف، امام حسین و ارائه داستان کربلا و مجسم کردن آن حادثه مطرح نبود. هزاران چیز در شبیه خوانی داخل شده بود که آن را به هر چیزی شبیه می کرد غیر از حادثه کربلا و قضیه امام حسین و چه خیانت ها و شهوترانی ها و اکاذیب و حقه بازی ها در همین شبیه خوانی ها می شد که گاهی به طور قطع مرتکب امر حرام می شدند. به هیچ چیز پایبند نبودند. از بچگی این در یادم هست که در همین محل خودمان که فریمان است، همیشه مسئله شبیه خوانی مورد نزاع مرحوم ابوی ما - رضوان الله علیه - و مردم بود؛ گو این که ایشان در اثر نفوذی که داشتند تا حد زیادی در آن منطقه جلوی این مسئله را گرفته بودند، ولی همیشه يك کشمکش در این مورد وجود داشت. ایشان می گفتند که شما کارهای مسلم الحرامی را به نام امام حسین (مرتکب می شوید و این کار

درستی نیست.

در سال هایی که در قم بودیم یادم هست که در آن جا هم يك نمايش ها و شبیه های خیلی مزخرفی در میان مردم بود. سال های اول مرجعیت مرحوم آية الله بروجردی - رضوان الله عليه - بود که قدرت فوق العاده داشتند، قبل از محرم بود، به ایشان گفتند که وضع شبیه خوانی ما این جور است. دعوت کردند، تمام رؤسای هیئت ها به منزل ایشان آمدند، از آنها پرسیدند: شما مقلد کی هستید؟ همه گفتند: ما مقلد شما هستیم، فرمودند: اگر مقلد من هستید، فتوای من این است که این شبیه هایی که شما به این شکل درمی آورید، حرام است. با کمال صراحت به آقا عرض کردند که آقا ما در تمام سال مقلد شما هستیم، الا این سه - چهار روز که ابداً از شما تقلید نمی کنیم! گفتند و رفتند و به حرف مرجع تقلیدشان اعتنا نکردند. خوب، این نشان می دهد که هدف، امام حسین ( ) نیست، هدف اسلام نیست، نمایشی است که از آن استفاده های دیگر و لااقل لذتی می برند... ( )

( )

نخست، دگرگونی اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایران و سیطره روز افزون فرهنگ زاده صنعت و تولید ماشینی بر فرهنگ جامعه و نظام اعتقادی مردم؛ دوم، دوری گزینی جامعه روحانیت از مجالس تعزیه خوانی و حمایت نکردن از آن و به دنبال آن بی علاقهگی نشان دادن حکومت ها و رجال پس از ناصرالدین شاه به تعزیه خوانی و برپایی مجالس تعزیه و در نتیجه، کم شدن مشوقان تعزیه خوانی؛ سوم، آشنایی نخستین گروه های تحصیل کرده روشنفکر با جهان و فرهنگ و هنر غرب و تئاتر غربی و دلزدگی و رمیدگی خاطر آنان از عناصر وابسته به فرهنگ و هنر قومی و سنتی نازل و سخیف جلوه کردن نمایش آیینی تعزیه در برابر این گروه های فرهیخته و جداگزینی تدریجی آنها از حاملان واقعی فرهنگ قومی و سنتی؛ چهارم، فروپویی کارکرد فرهنگی - مذهبی نمایش آیینی تعزیه و ناکار آمد و بی اثر شدن نقش معنوی آن در زندگی روزانه مردم امروز؛ و سرانجام تغییر پایگاه های عمومی ارتباط رسانی سنتی جامعه به پایگاه های ارتباط رسانی نوین. ( )

:

یکی از علل بزرگ شکست و انحطاط تعزیه، همین جامه عاریه و نامتناسب اشرافیتی است که بر قامت آن دوخته می‌شود و آن را که ذاتی بسیار طبیعی، ساده، مردمی و بی‌پیرایه دارد، از حرکت درونی و طبیعی که بالقوه در آن نهفته بوده باز می‌دارد؛ چه این جامه عاریتی با روح و ذات و وظیفه آن چندان الفتی نداشته و مقدمات سقوطش را پی ریخته است. (

:

روزی که لباس های سنتی تعزیه عوض شود و به صورت لباس های پر زرق و برق تاریخی درآید؛ روزی که اسباب خیالی در نمایش تعزیه به کار رود؛ روزی که هنر «رنالیست» (واقع گرا) زیر لوای تعزیه درآید و نمایش طبیعی جای اداها و حرکات مصنوعی حالیه را بگیرد؛ روزی که تعزیه خوانی از سکوه‌های تکیه و از میادین ساده و عریان روستاها و از گذرگاه های شهرها دور شود و روی صحنه های تماشاخانه ها ظاهر گردد؛ آن روز زمان مرگ تعزیه خوانی است. (

**نتیجه**

(... )

.

